

A Comparative Study of Duress Due to the Abuse of the State of Dependence in the French and Iranian law

Mansour Amini¹, Akbar Osanlou^{2*}

1. Associate Professor, Faculty of Law, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran
2. Ph.D. Student in Private Law, University of Strasbourg, Strasbourg, French

(Received: June 13, 2020 ; Accepted: September 12, 2020)

Abstract

In the revision of French Civil Code on February 10, 2016, a third type of duress was accepted, according to which it is an abuse of the status of dependence. In the emergence of this type, regardless of the human phenomenon, external events and conditions also play roles. The state of dependence may be economic, informational, technological, and psychological. This kind of duress is known as economic duress. However, our civil law does not state the issue of whether or not the abuse of the status quo is annexation to duress. However, efforts have been made by the doctrine to justify it which is not enough. Therefore, the fundamental question is whether the economic duress enshrined in French civil law can be accepted in our legal system. The authors of this paper concluded that in addition to the fact that there is no obstacle to the acceptance of this institution in our law, it is even considered as one of the gaps in our civil law, which is required to be considered in future revisions.

Keywords

Duress, Abuse of dependency, overly-exaggerated concessions.

* Corresponding Author, Email: osanlu24@gmail.com

مطالعه تطبیقی اکراه ناشی از سوءاستفاده از وضعیت وابستگی در

حقوق فرانسه و ایران

منصور امینی^۱، اکبر اصائلو^{۲*}

۱. دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۲. دانشجوی دکترای حقوق خصوصی دانشگاه استراسبورگ، استراسبورگ، فرانسه

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۲)

چکیده

در بازنگری ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه، شق سومی از اکراه پذیرفته شد. این شق سوءاستفاده از وضعیت وابستگی است که در ایجاد آن، صرف‌نظر از پدیده انسانی، رویدادها و اوضاع خارجی نیز نقش دارند. وابستگی ممکن است اقتصادی، اطلاعاتی، فنی، و روانی باشد. این نوع اکراه به «اکراه اقتصادی» شهرت یافته است؛ لیکن قانون مدنی ما درباره اینکه سوءاستفاده از وضعیت وابستگی «abus de l'état de dépendance» ملحق به اکراه است یا نه حکم مسئله را بیان نکرده است. با وجود اینکه تلاش‌هایی از سوی دکترین برای توجیه آن صورت گرفته است، کافی به نظر نمی‌رسد. بنابراین، پرسش اساسی این است که آیا اکراه ناشی از وضعیت وابستگی تثبیت شده در قانون مدنی فرانسه قابلیت پذیرش در نظام حقوقی ایران را دارد یا نه. نگارندگان این پژوهش با مطالعه تطبیقی به این نتیجه رسیدند که علاوه بر اینکه مانعی برای پذیرش این نهاد در حقوق ایران وجود ندارد، حتی یکی از خلأهای قانون مدنی ما نیز تلقی می‌شود که ایجاب می‌کند در اصلاحات آتی مورد توجه واقع شود.

کلیدواژگان

اکراه، امتیاز به طور آشکار گراف، سوءاستفاده از وضعیت وابستگی.

* رایانامه نویسنده مسئول: osanlu24@gmail.com

مقدمه

کد ناپلئون، که در سال ۱۸۰۴ تصویب شده بود، بعد از دو قرن، به موجب مصوبه قانونی ۱۰ فوریه ۲۰۱۶، مورد بازبینی قرار گرفت و این بازنگری مهم‌ترین اصلاحی است که قانون مدنی فرانسه از زمان تصویب آن به خود دیده است. بازنگری حقوق تعهدات و قراردادهای با توجه به اهمیت آنها در اولویت کار قرار داشت که هدف از آن نوسازی و تقویت کارآمدی برخی نهادهای حقوقی بوده است (نوری یوشانلوئی و شاهین ۱۳۹۷: ۲۰۲). یکی از موضوعات نوآورانه در این بازنگری تثبیت سوءاستفاده از وضعیت وابستگی در ماده ۱۱۴۳ به موجب قانون اصلاحی شماره ۲۸۷-۲۰۱۸، ۲۰ آوریل ۲۰۱۸، بوده است و یکی از مصادیق اکراه تلقی می‌شود که دکترین به عنوان «اکراه اقتصادی»^۱ استعمال می‌کنند.

مسئله سوءاستفاده از وضعیت اضطراری و وابستگی از قرن‌ها پیش در حقوق فرانسه، به‌خصوص در مراودات دریایی، مطرح بوده است؛ تا جایی که دیوان عالی آن کشور در رأی ۲۷ آوریل ۱۸۸۷ سوءاستفاده از چنین وضعیتی را اکراه تلقی کرد. همین رویه بیش از یک قرن در حقوق آن کشور ادامه یافت. یکی از چالش‌های اساسی در این زمینه تدوین قانونی بود که در نهایت در ماده ۱۱۴۳ این امر محقق شد. در ماده اخیر آمده است: «در صورتی که یکی از طرفین از وضعیت وابستگی طرف مقابل خودش سوءاستفاده کند و با تحمیل تعهدی بر او امتیازی به طور آشکارا گزاف به دست آورد، به نحوی که در صورت فقدان چنین اجباری طرف متعاقد به چنین تعهدی تن نمی‌داد»^۲ اکراه واقع می‌شود. این نوع اکراه برای حمایت از گروه‌های به اصطلاح ضعیف در مقابل طرف‌های قوی‌تر در قالب سوءاستفاده از وضعیت وابستگی تجلی کرد. بدین ترتیب، مصوبه قانونی ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ حقوق قراردادهای فرانسه اکراه اقتصادی را، که حاصل تلاش سالیان متمادی سیستم قضایی و دکترین بود، در کنار حفظ مدل‌های سنتی اکراه، بی‌آنکه خدشه‌ای بر آنها وارد کند، مورد لحاظ قرار داد.

1. Violence économique

2. Art. 1143 «Il y a également violence lorsqu'une partie, abusant de l'état de dépendance dans lequel se trouve son cocontractant à son égard, obtient de lui un engagement qu'il n'aurait pas souscrit en l'absence d'une telle contrainte et en tire un avantage manifestement excessif».

قانون مدنی ایران در ماده ۲۰۶ معامله اضطراری را صحیح قلمداد کرده است؛ اما در خصوص عقدی که در آن یکی از طرفین از وضعیت اضطراری یا وابستگی دیگری سوءاستفاده کند سکوت اختیار کرده است. هرچند حقوق دانان ایران با تأسی از حقوق فرانسه اهمیت موضوع را به خوبی دریافته‌اند و برای نیل به عدالت الحاق سوءاستفاده از اضطرار به اکراه را مطرح کرده‌اند (کاتوزیان ۱۳۷۴: ۴۹۹) در این زمینه بین دکترین ما اتفاق نظر وجود ندارد.

با توجه به اینکه قانون مدنی ایران در عقود و تعهدات، در برخی مواد، از مقررات قانون مدنی فرانسه تأثیر پذیرفته و همچنین قانون مدنی ما در خصوص سوءاستفاده از وضعیت وابستگی حکم مسئله را بیان نکرده است، دو سؤال اساسی پیش می‌آید: اولاً آیا ضروری است که این نهاد در قانون مدنی ما گنجانده شود؟ ثانیاً بر فرض اینکه چنین ضرورتی احساس شود، آیا رویکرد قانون مدنی فرانسه در این زمینه مناسب به نظر می‌رسد؟

بنابراین، چالش اصلی در این تحقیق نحوه شکل‌گیری و تکامل سوءاستفاده از وضعیت اضطراری یا وابستگی به منزله یکی از فروض اکراه در حقوق قراردادهای فرانسه و تثبیت آن در قانون مدنی آن کشور و قابلیت اعمال و پذیرش آن در حقوق کشور ایران است. برای درک بهتر موضوع، در وهله اول لازم است به جایگاه این موضوع در نظام حقوقی فرانسه پرداخته شود و در وهله دوم رویکرد نظام حقوقی ایران در این زمینه تبیین شود.

جایگاه اکراه ناشی از سوءاستفاده از وضعیت وابستگی در نظام حقوقی فرانسه

پروژه‌های مختلف بازنگری در حقوق تعهدات و قراردادهای نهادینه شدن اکراه ناشی از وضعیت وابستگی را پیشنهاد کرده‌اند. در اینجا به دو نمونه از مهم‌ترین آن‌ها، که در بطن خویش اکراه اقتصادی را گنجانده‌اند، اشاره می‌شود.

طرح اصلاحی کاتالا^۲

این طرح یکی از طرح‌های معروف پیش‌نویس بازنگری در قانون مدنی فرانسه بود که تحت

۱. همان‌طور که کربونیه، حقوق‌دان شهیر فرانسوی، نیز گفته است در جوامع متمدن ما، اکراه قهری کم‌کم کمیاب می‌شود و

در اغلب موارد با اکراه هوشمندانه سر و کار داریم (Carbionnier 2000: 107).

2. Projet Catala: Avant-projet de réforme du droit des obligations et de la prescription.

سرپرستی پی‌یر کاتالا، با مشارکت ۳۷ تن از حقوق‌دانان برجسته فرانسه، متشکل از ۳۴ حقوق‌دان دانشگاهی و ۳ نفر از قضات بازنشسته دیوان عالی، در سال ۲۰۰۳، شروع شد و در سال ۲۰۰۵ به وزارت دادگستری فرانسه ارائه شد.^۱ این طرح شامل ۵۷۱ ماده است که هر یک از حقوق‌دانان مسئولیت تبیین موادی را بر عهده داشتند. در بند اول از ماده ۳-۱۱۱۴ طرح اخیر در تعریف اکراه ناشی از سوءاستفاده از وضعیت وابستگی آمده است که اکراه همچنین در صورتی ایجاد می‌شود که «یکی از طرفین تحت تأثیر وضعیت اضطراری یا وابستگی متعهد شود، چنانچه طرف دیگر از این وضعیت ضعف به نحو آشکاری بهره‌برداری ناروا کند».

تدوین‌کنندگان اکراه ناشی از سوءاستفاده از وضعیت وابستگی به دو دلیل عمده این طرح را در قانون مدنی گنجانده‌اند؛ از یک طرف خلأهای موجود درباره این موضوع در کد ناپلئون جبران شود و از طرف دیگر با توجه به اینکه در دهه‌های اخیر تصمیمات مهم و تأثیرگذاری از طرف دیوان عالی فرانسه درباره اکراه اقتصادی صادر شده بود لازم بود آثار مثبت تصمیمات قضایی در قانون مدنی تثبیت شود. ازین رو، پیشنهاد شد سوءاستفاده از وضعیت وابستگی که خلأ آن در قانون مدنی مشهود بود مورد لحاظ واقع شود.

طرح اصلاحی فرانسوا تره^۲

در این پروژه هم حقوق‌دانان برجسته‌ای با سرپرستی فرانسوا تره، که از استادان بنام حقوق تعهدات نیز هست، برای تهیه و تنظیم مواد پیشنهادی برای پیش‌نویس قانون مدنی گرد هم آمدند. طرح اخیر در سال ۲۰۰۸ شامل ۱۴۰ ماده برای اصلاح حقوق تعهدات و قراردادها پیشنهاد شد. در ماده ۶۶ این طرح سوءاستفاده از وابستگی این‌گونه تبیین شده است: «هنگامی که یک متعاقد با بهره‌برداری از وضعیت اضطراری یا وابستگی طرف دیگر یا وضعیت آسیب‌پذیری او امتیازی به طور آشکارا گراف به دست بیاورد زبان‌دیده می‌تواند از دادرسی تقاضای برقراری مجدد تعادل قراردادی را بکند. در صورتی که برقراری مجدد تعادل قراردادی غیرممکن شود، دادرسی بطلان عقد را اعلان می‌کند. او مجموعه اوضاع و احوال و به‌خصوص روابط قبلی طرفین و نابرابری

۱. برای مطالعه بیشتر درباره طرح اصلاحی پی‌یر کاتالا ← شعاریان و ترابی ۱۳۹۵.

2. Projet Terré: pour une réforme du droit des contrats.

اقتصادی متعاقدين را برای صدور حکم در نظر خواهد گرفت.» بنابراین، در مقایسه ماده اخیر با ماده ۳-۱۱۱۴ طرح کاتالا می‌توان به چندین تفاوت بارز آن‌ها اشاره کرد:

اولاً ضمانت اجرای سوءاستفاده از وضعیت وابستگی در طرح اصلاحی اخیر تحت تأثیر اصول حقوق قراردادهای اروپا «تعدیل عقد» در نظر گرفته شده بود؛ در حالی که پروژه کاتالا پیرو سنت دیرینه حقوق فرانسه ضمانت اجرای «بطلان نسبی عقد» را پیشنهاد کرده بود.

ثانیاً پروژه کاتالا اکراه ناشی از وضعیت وابستگی را در مبحث «عیوب اراده»^۱ گنجانده بود؛ در حالی که در طرح فرانسوا تره در بخش «محتوای عقد»^۲ واقع شده بود و این تفاوت نمادین ممکن است دارای اهمیت اساسی باشد.^۳

رویه قضایی فرانسه

هرچند قبل از بازنگری ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه درباره فرضیه اکراه ناشی از وضعیت وابستگی سکوت اختیار کرده بود، در عمل، رویه قضایی این کشور با تصمیم‌های سازنده خویش این نقص را جبران کرده بود.^۴ در این زمینه، به نمونه‌ای از رأی دیوان عالی آن کشور که به طور شفاف و صریح در تثبیت شدن اکراه اقتصادی در قانون مدنی نقش بی‌بدیلی ایفا کرد اشاره می‌شود.

موضوع از این قرار است که خانم «ک» از سال ۱۹۷۲ در شرکت لاروس-بواردرس مشغول فعالیت بوده است. سپس در همان شرکت به عنوان مؤلف فعالیت خویش را ادامه می‌دهد. در ۲۱ ژوئن ۱۹۸۴، به موجب عقد معوض، هر گونه انتفاع از فرهنگ لغتی که طراحی و اجرا کرده بود را به کارفرمایش واگذار می‌کند. گفتنی است طراحی و اجرای آن اثر کاری مضاعف در چارچوب قراردادش بود. او در سال ۱۹۹۶ از شرکت اخراج می‌شود و در سال ۱۹۹۷ بطلان قرارداد را به دلیل اینکه در زمان واگذاری حقوقش اراده او معیوب بوده است اعلام می‌کند. سپس ممنوعیت

1. Vice du consentement

2. Contenu du contrat

۳. اهمیت تقسیم‌بندی نمادین آن‌ها در مبحث ضمانت اجرای فسخ و بطلان در حقوق فرانسه به صورت مفصل بررسی شده است.

۴. تلاش زیادی صورت گرفت که به رویه قضایی ایران درباره موضوع پژوهش اشاره شود و تجزیه و تحلیل شود. در همین جهت، بیشتر منابع موجود بررسی شد. ولی متأسفانه آرای در این زمینه یافت نشد.

ادامه انتفاع از اثر خویش را اعلام و از کارشناس درخواست می‌کند میزان اجرتی را که از آن محروم شده است تعیین کند.

در ادامه استدلالات دیوان عالی آمده است: نظر به اینکه برای پذیرش این خواسته (واگذاری انتفاع از اثر) موقعیت کارمندی‌اش او را در وضعیت وابستگی اقتصادی در مقابل شرکت قرار می‌داد و با توجه به اینکه فشارهای ناشی از وضعیت موجود او را مجبور می‌کرد بخش‌هایی از قرارداد را که با منافع خصوصی او و مقررات حمایت از حقوق مؤلفان متضاد بود بپذیرد و نپذیرفتن مقررات یادشده او را در وضعیت شکننده‌تری قرار می‌داد و با توجه به خطر واقعی و جدی اخراج که جزء لاینفک فضای اجتماعی حاکم بر شرکت در آن دوره بوده است - که یک برش از جراید در اوت ۱۹۸۴ فشارهایی را که شرکت بر کارمندانش اعمال می‌کرد نشان می‌دهد؛ هرچند در این زمینه هرگز به‌صراحت از سوی کارفرمایش تهدیدی صورت نگرفته بود^۱ - و همچنین با توجه به اینکه ترس از دست دادن شغل بر اراده او تأثیر می‌گذاشت و خوف از اینکه شغلش را از دست می‌دهد به او اجازه بحث درباره شروط واگذاری حقوق تألیفی‌اش را نمی‌داد و اگر او در وضعیت وابستگی به متعاقد به خودش قرار نمی‌گرفت می‌توانست درباره شروط واگذاری حق و حقوقش مذاکره کند، شعبه اول مدنی دیوان عالی فرانسه در رأی شماره ۱۲۹۳۲-۰۰ در تاریخ ۳ آوریل ۲۰۰۲ اعلام کرد: «تنها سوءاستفاده انتفاعی از وضعیت وابستگی اقتصادی که می‌تواند اراده را معیوب کند و به‌اکراه منتهی شود سوءاستفاده از ترسی است که مستقیم متوجه منافع مشروع شخص می‌شود».^۲

مشاهده می‌کنیم که دیوان به‌صراحت عقدی را که در آن یک طرف از وضعیت وابستگی اقتصادی متعاقد به خودش سوءاستفاده کرده باشد، به دلیل عیب در اراده، ملحق به‌اکراه دانسته است. چون کارفرما او را به علت شرایطی که حاکم بوده استثمار می‌کرده است. این تصمیم دیوان در تدوین ماده ۱۱۴۳ قانون مدنی فرانسه نقش بسزایی داشت؛ اما نکته‌ای که با مقایسه این رأی با

۱. به موجب ماده ۲۰۸ قانون مدنی ایران «مجرد خوف از کسی، بدون آنکه از طرف آن کس تهدید شده باشد، اکراه محسوب نمی‌شود».

2. Civ. 1^{er}. 3 Avril 2002, n 00-12932, Bull. civ. I. n°108.

3. «Attendu, cependant, que seule l'exploitation abusive d'une situation de dépendance économique, faite pour tirer profit de la crainte d'un mal menaçant directement les intérêts légitimes de la personne, peut vicier de violence son consentement».

ماده ۱۱۴۳ می‌توان بیان کرد این است که رأی حاضر اکراه اقتصادی را منوط به «سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی» کرده بود؛ درحالی‌که ماده اخیر از «وضعیت وابستگی» صحبت می‌کند که دامنه شمول آن بسیار گسترده‌تر از رأی اخیر است و صرفاً به وابستگی اقتصادی محدود نمی‌شود. نکته دیگری هم از این رأی قابل استنباط است و آن این است که صرفاً اینکه شخص شکننده یا آسیب‌پذیر باشد برای تحقق اکراه کافی نیست و ضروری است که طرف دیگر از وضعیت او سوءاستفاده و استیفای ناروا کند.

اکراه ناشی از سوءاستفاده از وضعیت وابستگی، نوآوری درخور ملاحظه

در بازنگری حقوق تعهدات و قراردادهای فرانسه، بعد از دو قرن، تحول بنیادینی که زیروم حقوق قراردادها را دگرگون کند اتفاق نیفتاد. اما از تحولات جدید هم غفلت نشد. حال، پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا ماده ۱۱۴۳ قانون مدنی فرانسه اساساً نوآوری درخور ملاحظه‌ای محسوب می‌شود یا خیر.

تأیید دکترین

برخی تصویب ماده ۱۱۴۳ را «نوآوری بزرگ»^۱ در حقوق این کشور تعبیر کرده‌اند. چون عبارت به‌کارگرفته‌شده در ماده اخیر مبین آن است که این وضعیت کاملاً متفاوت با اکراه کلاسیک است؛ زیرا شرایط تحقق آن خیلی بدیع است (Pellet 2016: 4) و بی‌تردید یکی از مقررات درخور ملاحظه در قانون‌گذاری جدید است که برای حمایت از طرف ضعیف تدوین شده است. این ماده از یک طرف جنبشی است که «توسعه اقتصادی»^۲ روابط قراردادی را مد نظر قرار می‌دهد (Mallet- Bricout 2016: 463) و از طرف دیگر برای دسترسی به نوعی تعادل برای اثربخشی اقتصادی و حمایت از طرف ضعیف تلاش می‌کند.^۳ سیاست حمایت از طرف ضعیف در کد ناپلئون پیش‌بینی نشده بود و بدین ترتیب، بر حسب دکترین اکراه اقتصادی، یکی از نوآوری‌ها در بازنگری حقوق قراردادها بوده است؛ هرچند رویه قضایی عملاً ده‌ها سال قبل آن را مورد توجه قرار داده بود.

1. Innovation majeure

2. L'affairisation

3. L'exposé des motifs du projet de loi ratifiant l'ordonnance n 2016- 131 ainsi que le Rapport du président de la République du 11 février 2016.

تعدد منابع

ماده ۱۱۴۳ از یک سو تصویر کاملی از تعدد منابع حقوق جدید قراردادهای ارائه می‌دهد که عبارت‌اند از رویه قضایی و تدوین مقررات اروپایی و بین‌المللی که در بازنگری قانون مدنی فرانسه به کار رفته‌اند و از سوی دیگر این ماده دوگانگی را، که ویژگی اصلاح است، بیان می‌کند. این دوگانگی نه تنها با حفظ مدل سنتی قراردادهای بلکه با تجلی یک مدل جدید قراردادی ظاهر می‌شود (Mazeaud 2017: 25). حفظ مدل سنتی عقود به تدوین رویه قضایی منجر شد که اساس متون جدید را تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب، در بازنگری حقوق تعهدات و قراردادهای فرانسه به مقررات اصول حقوق قراردادهای دیگر کشورهای اروپایی هم توجه شده است.

شرایط تحقق اکراه ناشی از سوءاستفاده از وضعیت وابستگی

شرایط وابستگی

وقتی سخن از سوءاستفاده از «وضعیت وابستگی» به میان می‌آید، اساساً این پرسش مطرح می‌شود که تعریف آن چیست و آیا منظور از وابستگی صرفاً مالی است یا وابستگی غیرمالی هم ممکن است به اکراه منتهی شود. فرهنگ واژگان حقوقی کرنو وابستگی را این‌گونه تعریف می‌کند: «فقدان استقلال عملکرد یک شخص در ارتباط با دیگری، که ناشی از الزامات مالی یا غیرمالی باشد؛ نظیر وابستگی روانی، عاطفی، و غیره» (Cornu 2018: 330). بنابراین، وابستگی ممکن است فنی، اطلاعاتی، روان‌شناختی، و روانی باشد (Loiseau 2016, n 3; Andru et Thomassin 2019: 160). همچنین، وضعیت وابستگی ممکن است مربوط به سن یا نارسایی^۱ دیگری باشد (Claudel 2016: 460). بدین ترتیب، وابستگی صرفاً مالی نیست؛ هرچند در اغلب موارد ممکن است وابستگی مالی طرفین بیشتر از دیگر وابستگی‌ها مطرح شود.^۲

بدین ترتیب، می‌توان گفت پذیرش دامنه شمول اکراه نسبت به رویه قضایی قبل از بازنگری ۲۰۱۶ صورت گرفته است. چون از این پس نه تنها «سوءاستفاده از وضعیت وابستگی» اکراه تلقی

1. Déficience

۲. در برخی مقالات در حقوق ایران، اکراه اقتصادی صرفاً به تهدید مالی مقید شده است که صحیح به نظر نمی‌رسد (انصاری و مبین ۱۳۸۸: ۱۷).

می‌شود، بلکه هر گونه سوءاستفاده از «وضعیت آسیب‌پذیری»^۱ یکی از طرفین هم می‌تواند از مصادیق اکراه باشد (Porchy-Simon 2019: 103).

اگرچه در رأی شماره ۱۲۴۵۴-۱۵ مصوب سال ۲۰۱۶ در شعبه سوم دیوان عالی، بعد از بازنگری ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ و قبل از اجرایی شدن آن، قرارداد منعقد در وضعیت وابستگی روانی از مصادیق اکراه قرار گرفت،^۲ توسعه دامنه اعمال اکراه، بدون تردید، اشکالاتی را هم به دنبال خواهد داشت و باید منتظر رویه قضایی جدید ماند و دید که در آینده چه تفسیری از این نوع اکراه ارائه خواهد شد. در نهایت، به نظر می‌رسد اکراه ناشی از وضعیت وابستگی شامل محجورین نمی‌شود. زیرا در صورت سوءاستفاده از وضعیت آن‌ها قانون‌گذار حمایت ویژه‌ای از آن‌ها می‌کند و شاید نیازی به اعمال این قاعده درباره آن‌ها نباشد.

همان‌گونه که در مقدمه پژوهش بیان شد، ماده ۱۱۴۳ مصوبه ۲۰۱۶ به موجب قانون شماره ۲۸۷-۲۰۱۸ مورد بازبینی زودهنگام قرار گرفت و عبارت «در برابر او یا نسبت به او» (à son égard) به این ماده اضافه شد. دلیل الحاق اصطلاح اخیر این بود که ماده اخیر در نگارش به «وضعیت وابستگی» اکتفا کرده بود؛ بدون اینکه تصریح کند وابستگی به چه کسی باید صورت گیرد. به بیان دیگر، آیا وضعیت وابستگی باید نسبت به طرف متعاقد صورت پذیرد یا در مقابل شخص ثالث هم ممکن است محقق شود. تفاسیر گوناگونی را می‌شد از آن برداشت کرد. بدین

1. Vulnérabilité

2. Cass.3^e Civ., 4 mai 2016, n 15-12454.

در این پرونده، مالک مال غیرمنقول تحت «وابستگی روانی» همسر بدون ازدواج خویش (concubin) مال خود را به یک زوج خریدار می‌فروشد. بعد از مدت اندکی، خریداران مال ایتساعی را به دوبرابر قیمت خرید به شخص ثالثی می‌فروشند. فروشنده اولیه درخواست بطلان عقد را به طرفیت همه خریداران، به دلیل عیب اراده، مطرح می‌کند. دادگاه تجدیدنظر بطلان همه عقود را بر مبنای اکراه صادر می‌کند. خریداران اولیه از رأی صادره فرجام‌خواهی به عمل می‌آورند. دیوان مجدداً همه عواملی که دادگاه تجدیدنظر برای صدور رأی بیان کرده بود بررسی می‌کند؛ به‌خصوص تشویش روانی فروشنده را قبل از فروش و فشار وارده توسط معشوقه او و حضور او هنگام امضای قرارداد و عوامل دیگری که قبل و بعد از فروش وجود داشته است و در نهایت فرجام‌خواهی خریداران نخستین را رد می‌کند. بنابراین، مشاهده می‌کنیم که دیوان وابستگی روانی را نیز از مصادیق اکراه تلقی کرده است.

ترتیب، در مصوبه ۲۰۱۶ که در ۲۰ آوریل ۲۰۱۸ به صورت قانون در مجلسین تصویب شد تصریح شد که وابستگی باید «نسبت به» طرف متعاقد به خود صورت گیرد.

آنچه دامنه ماده اخیر را محدود کرد این بود که مثلاً در یک مجموعه شرکتی اگر شرکت مادر از وضعیت وابستگی متعاقد نسبت به شرکت‌های تابعه- یا به بیان دیگر نمایندگی‌هایش- سوءاستفاده کند، مستوجب بطلان نخواهد بود. علاوه بر این، ماده اخیر در مقایسه با پروژه‌های بازنگری کاتالا و تره خیلی محدودتر بود. در واقع، طرح بازنگری کاتالا علاوه بر سوءاستفاده از وضعیت وابستگی و اضطراری بهره‌برداری از «وضعیت ضعف»^۱ را هم بیان کرده بود؛ درحالی‌که پروژه تره وضعیت وابستگی، وضعیت اضطراری، و به طور وسیع‌تر «وضعیت آسیب‌پذیری تبیین‌شده»^۲ زیان‌دیده را بیان کرده بود. بدین ترتیب، ممکن بود دو تفسیر از معیار «وضعیت وابستگی» صورت بگیرد.

معنی «مضیق» این‌گونه تشریح شده است: «وضعیت شخصی که آزادی عملش را در مقابل دیگری از دست می‌دهد؛ وابستگی‌ای که ممکن است مالی، روانی، اقتصادی، تکنولوژیکی، یا عاطفی^۳ باشد.» در رأی تاریخ ۲۰۰۲ رویه قضایی به این نوع وضعیت وابستگی اشاره شده بود. در معنی موسع و در زبان رایج، به افراد سالخورده «وابسته» گفته می‌شود و این اصطلاح مبین «آسیب‌پذیری ذاتی»^۴ یک شخص است. به بیان دیگر، در این معنا افرادی که از نظر روانی شکننده یا بیمار یا سالخورده هستند، هرچند به شخص دیگری هم وابستگی نداشته باشند، می‌توانند از مقررات ماده ۱۱۴۳ قانون مدنی منتفع شوند (Chantepie et Latina 2018: 295).

سوءاستفاده از وضعیت وابستگی

برای تحقق اکراه، صرفاً وضعیت وابستگی کافی نیست و ضرورت دارد که طرف دیگر از این وضعیت سوءاستفاده کرده باشد. تا زمانی که از وضعیت طرف ضعیف که در موضع شکننده قرار دارد سوءاستفاده نشده باشد، با توجه به «اصل غیر قابل نقض بودن قراردادها»^۵ به ساختمان حقوقی آن هیچ‌گونه خللی وارد نمی‌شود. آن‌گاه که از این وضعیت سوءاستفاده شود، این پیکره خدشه‌دار

1. Situation de la faiblesse
2. Situation de dépendance caractérisée
3. Affective
4. Vulnérabilité intrinsèque
5. Principe d'intangibilité des contrats

می‌شود و به حمایت قانون‌گذار نیاز دارد. بدیهی است همه کسانی که با اشخاص آسیب‌پذیر عقدی را منعقد می‌کنند الزاماً متقلب نیستند. بنابراین، تحقق اکراه ماده ۱۱۴۳ مشروط به این است که طرف قوی از این وضعیت وابستگی سوءاستفاده کند و امتیاز آشکارا گزافی را به دست آورد.

کسب امتیاز آشکارا گزاف

مفهوم امتیاز گزاف

مفهوم دقیق «امتیاز آشکارا گزاف» هم‌زمان یک ضابطه جدید و قدیم در حقوق فرانسه تلقی می‌شود (Barbier 2016: 49) که ریشه آن در عدم «تعادل قابل ملاحظه»^۱ است. این وضعیت عدم تناسب قابل ملاحظه بین حقوق و تعهدات طرفین عقد است که به ضرر طرف ضعیف است (Guinchard 2019-2020: 364) که در عقود الحاقی به آن اشاره شده است.^۲

همین‌طور در بند ۱ ماده ۲۱۲ قانون مصرف فرانسه، عدم تعادل قابل توجه موجب سوءاستفاده از شروط یک قرارداد می‌شود. سؤالی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که آیا بین اصطلاح «امتیاز آشکارا گزاف» و «عدم تعادل قابل توجه» تفاوتی وجود دارد یا خیر. برخی تلاش کرده‌اند این دو را از همدیگر تفکیک کنند. در تمایز آن‌ها گفته شده است که مفهوم عدم تعادل بین تعهدات متعاقدين تا حدود زیادی مفهومی حقوقی است؛ درحالی‌که اصطلاح «امتیاز آشکارا گزاف» بیشتر حاکی از ملاحظات اقتصادی است (Barbier 2016: 49).

این تمایز تا حدودی می‌تواند درست باشد. چون در اغلب موارد در حقوق تجارت و قوانین مصرف، که بین تولیدکننده و خریدار رابطه‌ای وجود دارد، توجیه‌پذیر است. اما این تمایز را نباید مطلق دانست. چون می‌توان گفت ماده ۱۱۴۳ قانون مدنی که «اصطلاح مزیت بیش‌ازحد» را به کار برده است بین ملاحظات اقتصادی و حقوقی تفکیکی نکرده است. نکته دیگری که بیان آن ضرورت دارد این است که قانون‌گذار در ماده ۱۱۴۳ مقرر می‌دارد امتیاز باید به طور آشکارا گزاف

1. Déséquilibre significatif

۲. ماده ۱۱۷۱ مصوب ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ که به موجب قانون ۲۰ آوریل ۲۰۱۸ اصلاح شد مقرر می‌دارد در قراردادهای الحاقی «هر گونه شرط عدم مذاکره که به وسیله یکی از طرفین از پیش تعیین شده که باعث عدم تعادل قابل ملاحظه بین حقوق و تعهدات طرفین می‌شود - کان لم یکن تلقی می‌شود. ارزیابی عدم تعادل قابل ملاحظه مربوط به موضوع اصلی عقد و تناسب ثمن موضوع تعهد نمی‌شود».

باشد؛ اما ملاک و معیاری برای مزیت آشکارا در نظر گرفته نشده است و به نظر می‌رسد دادرسی در این زمینه آزادی عمل بیشتری برای تفسیر این موضوع برای قبول یا عدم قبول داشته باشد.

فروض اعمال اکراه ناشی از سوءاستفاده از وضعیت وابستگی در عقود دیگر

مسئله‌ای که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا دامنه شمول ماده ۱۱۴۳ صرفاً به حقوق قراردادهای محدود است یا ماده اخیر قابلیت اعمال در حوزه‌های مختلف عقود را دارد؟ نظر به اینکه می‌توان قانون مدنی را قانون مادر همه تلقی کرد و دیگر قوانین خاص به نوعی وابسته به آن محسوب می‌شوند بدون شک ماده ۱۴۳ می‌تواند دامنه اعمال مادی وسیع‌تری داشته باشد. زیرا از یک طرف آن همه فرضیه‌های اکراه را در بر می‌گیرد^۱ و به اکراه اقتصادی محدود نیست و از طرف دیگر قابلیت اعمال در همه عقود، اعم از حوزه حقوق تعهدات و قراردادهای و حوزه تجاری، را دارد (Beher-Touchais 2015: 360)؛ مانند قرارداد توزیع، قرارداد کار، قرارداد قرض، قرارداد مالکیت مؤلف، قرارداد معاملات بازرگانی، و امثال آن. این ماده حتی می‌تواند در عقود یک‌جانبه، مانند ضمان، نیز اعمال شود (Ansel 2015: 747). بنابراین، می‌توان گفت دامنه اعمال اکراه سوءاستفاده از وضعیت وابستگی در قوانین تجاری در مقایسه با حقوق مدنی که دامنه وسیع‌تری دارد به مراتب ضعیف‌تر و محدودتر است. چون قوانین تجاری به شکل خاصی از وابستگی محدودند. بنابراین، همه اشخاص، اعم از حقیقی و خصوصی، مصرف‌کننده و تولیدکننده، در این تقسیم‌بندی قرار می‌گیرند و چتر حمایت قانون‌گذار در حوزه مدنی برای همه گسترانیده شده است.

ضمانت اجرای ناشی از سوءاستفاده از وضعیت وابستگی در حقوق کشورهای اروپایی

تعدیل قرارداد

در حالت کلی، در تدوین مقررات بین‌المللی و همین‌طور در پروژه‌های مختلف بازننگری، در رویه قضایی نیز سوءاستفاده از وضعیت وابستگی ملحق به اکراه دانسته شده بود. ضمانت اجرای این نوع از اکراه بطلان نسبی عقد از طریق دعوی بطلان نسبی نزد مراجع قضایی است (Mazeaud 2017: 28)؛ اما در مقررات برخی کشورها، در صورت سوءاستفاده از وضعیت وابستگی، تعدیل قرارداد پیشنهاد شده بود؛ از جمله در ماده ۶۶ پروژه بازننگری تره تعدیل قرارداد در اولویت کاری

این نهاد قرار گرفته بود، به نحوی که در صورت برقرار نشدن مجدد تعادل قراردادی از طریق تعدیل بطلان عقد مطرح می‌شد که بر مبنای آن دادرسی می‌توانست برای برقراری مجدد تعادل در محتوای عقد مداخله کند که در نهایت این ضمانت اجرا مورد پذیرش قانون‌گذار قرار نگرفت.

ماده اخیر منطبق با بندهای ۲ و ۳ ماده ۴:۱۰۹ اصول حقوق قراردادهای اروپاست که این امکان را به دادگاه می‌دهد که بنا به تقاضای زیان‌دیده عقد را در صورت امتیاز گزاف و غیرعادلانه تعدیل کند. دادگاه در صورتی به تعدیل قرارداد حکم خواهد داد که با توجه به اوضاع و احوال این شیوه برای جبران خسارت مناسب باشد (شعاریان و ترابی ۱۳۹۱: ۲۰۱).

ایرادی که به ماده اخیر وارد می‌شود این است که در تیتیر ماده از «سود گزاف و امتیاز غیرمنصفانه» بحث شده و مرز آن با عیوب رضا به‌روشنی مشخص نشده است. ماده ۴:۱۰۹ قرابتی هم با ماده ۷:۲۰۷ از بخش دوم قواعد مشترک چارچوب مرجع دارد که از ماده ۳:۱۰۱ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی الهام گرفته است. ماده ۷:۲۰۷ قواعد مشترک چارچوب مرجع^۱ دو شرط هم‌زمانی را برای زیر سؤال بردن عقدی که تعادل آن به هم خورده مقرر داشته است. شرط اول ضعف یکی از طرفین است که باید در یک وضعیت وابستگی نسبت به طرف متعاقد به خودش باشد یا رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد با او داشته باشد یا در وضعیت فشار اقتصادی یا نیازهای ضروری یا ناآینده‌نگری، ناآگاهی، بی‌تجربگی باشد یا فاقد اهلیت برای مذاکره بوده باشد. بنابراین، مشاهده می‌کنیم که دامنه شمول آن بسیار گسترده است. ماده اخیر وابستگی اقتصادی را وابستگی روانی قلمداد می‌کند. شرط دوم مربوط به امتیاز به‌دست‌آمده است که باید گزاف یا ناعادلانه باشد. امتیاز گزاف با یک محاسبه ساده ریاضی نسبت به ثمن معمولی در عقود مشابه مشخص می‌شود (Cabrillac 2016: 94). بدین ترتیب، برخی از کشورها برای یکنواخت‌سازی قوانین خویش با

۱. چارچوب مشترک مرجع در دو طرح ارائه شد. اولین پروژه با سرپرستی Von Ba در بطن گروه مطالعات قانون مدنی اروپا مهیا شد. این طرح به طور وسیعی از اصول حقوق قراردادهای اروپا الهام گرفته بود. دومین طرح در چارچوب گروه مطالعات حقوق مدنی اروپا مهیا شد. این طرح مجموع مقررات قانونی و رویه قضایی را که قبلاً در حقوق قراردادهای اروپا تثبیت شده بود گردآوری می‌کرد. مجموع کارها و گروه‌های تحقیق در دو طرح در چارچوب مشترک مرجع پیوند خورد (Cabrillac 2016: 12). در واقع، هدف چارچوب مشترک مرجع یکنواخت‌سازی مقررات و حقوق خصوصی اروپاست (برای مطالعه بیشتر طرح چارچوب مشترک مرجع ← شعاریان و ترابی، حقوق تعهدات: ۵۹).

مقررات اروپایی و بین‌المللی تعدیل را پیشنهاد کرده‌اند. این ضمانت اجرا از ابعاد دیگری هم می‌تواند مفید واقع شود که در مباحث آتی به این موضوع اشاره شده است.

فسخ و بطلان

برخی از کشورها در حقوق اروپایی، در صورت سوءاستفاده از ضعف، ضمانت اجرای فسخ به لحاظ غبن را پیش‌بینی کرده‌اند. مثلاً، در ماده ۱۴۴۸ قانون مدنی ایتالیا، در صورت نبود تناسب بین تعهدات طرفین که ناشی از ضعف یکی از آنها باشد، هر گاه غبن بیشتر از نصف باشد، عقد می‌تواند باطل شود. در قانون تعهدات سوئیس نیز همین رویه پیش گرفته شده است. در ماده ۲۱، سوءاستفاده از اضطرار با توجه به فاکتورهای سن و نسنجیدگی و بی‌تجربگی مضطر سزاوار انحلال دانسته شده و در صورت نبود تناسب بین تعهدات طرفین عقد در قالب غبن فسخ می‌شود. بند ۱ ماده ۳۳ قانون مصوب ۲۲ نوامبر ۱۹۵۰ درباره تعهدات بلغارستان هم بطلان عقد منعقد را به دلیل اضطرار شدید، به شرط ضرر آشکار، امکان‌پذیر می‌کند.

برخی از کشورها در حقوق اروپایی ضمانت اجرای بطلان نسبی را پذیرفته‌اند. مثلاً، ماده ۱۲۲۱ رومانی نیز ضمانت اجرای اکراه اقتصادی را در قالب غبن بیان می‌کند؛ به نحوی که یکی از طرفین از وضعیت اضطراری یا فقدان تجربه یا ناآگاهی دیگری برای تحمیل شرط به او بهره‌برداری کند.

ماده ۱۱۴۳ قانون مدنی فرانسه، که کم‌وبیش میراث‌دار رویه قضایی و به‌خصوص رأی صادره ۲۰۰۲ است، به دادرس امکان مداخله برای بازنگری در عقد را نمی‌دهد و دادرسی که به خود اجازه تعدیل قرارداد را می‌دهد آشکارا عقده را که برای طرفین حکم قانون دارد نقض می‌کند. بر اساس ماده اخیر، در صورت تحقق چنین اکراهی، دادرس فقط می‌تواند بطلان نسبی عقد را اعلام کند. در نهایت، قانون‌گذار فرانسه، همان‌طور که در پروژه بازنگری کاتالا پیشنهاد شده بود، بطلان نسبی را می‌پذیرد. اشکالی که ممکن است به ماده اخیر وارد شود این است که اکراه ناشی از وضعیت وابستگی در زیرمجموعه عیوب رضا آورده شده است. ولی جایگاه واقعی آن در مبحث محتوای عقد است؛ همان‌طور که در طرح بازنگری تره سوءاستفاده از وضعیت وابستگی در مبحث محتوای عقد گنجانده شده بود.

حال سؤالی که ممکن است طرح شود این است که چه فرقی می‌کند که اکراه ناشی از سوءاستفاده از وضعیت وابستگی در مبحث عیوب رضا واقع شود یا محتوای عقد. این تفاوت نمادین جزئی ممکن است مهم باشد و آثار عملی به همراه داشته باشد. پاسخ به این سؤال را می‌توان در دو نکته خلاصه کرد. نکته اول، اگر اکراه ناشی از وضعیت وابستگی به عنوان عیب رضا تلقی شود که ماده ۱۱۴۳ قانون مدنی فرانسه آن را مورد توجه قرار داده است نتیجه آن ابطال نسبی عقد در صورت وضعیت وابستگی خواهد شد و دادرسی برای کاربست تعدیل انتخاب عملی ندارد. بنابراین، او باید با توجه به جمیع جهات قضیه بر اکراهی بودن موضوع حکم صادر کند یا دلایل و استدلالات شخص مضطر را ناکافی بداند و بر تداوم عقد نظر داشته باشد. نکته دوم، اگر اکراه ناشی از وضعیت وابستگی را در مبحث محتوای عقد قرار دهیم، می‌تواند ابزاری در دست دادرسی باشد که تعادل قراردادی را ایجاد کند و این امکان را میسر کند که در صورت عدم توازن از مکانیسم تعدیل استفاده کند.

جایگاه اکراه ناشی از سوءاستفاده از وضعیت وابستگی در حقوق ایران

با بهره‌گیری از فقه غنی، قانون مدنی ایران در مواد مختلف^۱ به فروض گوناگون اکراه اشاره کرده است. حقوق‌دانان ایران نیز در سایه همین مقررات و متون فقهی به صورت مفصل به بررسی ابعاد گوناگون اکراه، اعم از مادی و معنوی، پرداخته‌اند. حقوق‌دانان تلاش‌ها و مباحثی را درباره سوءاستفاده از وضعیت اضطراری صورت داده‌اند، ولی کافی به نظر نمی‌رسد. قانون مدنی ایران هم تعریفی از سوءاستفاده از وضعیت وابستگی یا اضطراری ارائه داده و صرفاً در ماده ۲۰۶ صحت معامله اضطراری را بیان کرده است. ماده ۱۷۹ قانون دریایی ایران اقتباسی از مقررات دریایی فرانسه است. اما این مسئله را پیش‌بینی کرده است. همین‌طور، سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی مسلط (عبدی‌پور ۱۳۸۸: ۱۲۵) در حقوق رقابت در ماده ۴۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی، اصل ۴۴ قانون اساسی، پیش‌بینی شده که گامی مثبت در این مسیر است.^۲

۱. در مواد ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، و ۲۰۵ به فروض مختلف اشاره شده است.

۲. ماده ۴۵ قانون اخیر مقرر می‌دارد اعمال ذیل که به اخلال در رقابت منجر می‌شوند ممنوع است:

ط) سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی مسلط.

دیدگاه‌های مطروحه

صحت معامله

برخی حقوق‌دانان معامله اضطراری را صحیح تلقی کرده‌اند. ولی درباره سوءاستفاده از وضعیت اضطراری اظهارنظر نکرده‌اند (امامی ۱۳۹۵: ۲۴۱). بعضی دیگر با توسل به یک مثال سوءاستفاده از وضعیت اضطراری را از دامنه شمول اکراه خارج کرده‌اند: «اگر تهدید صورت گرفته برای پرداخت مبلغ از وضعیت اقتصادی یا اجتماعی ناشی شده باشد و مضطر برای فراهم کردن آن خانه خویش را بفروشد، اکراه صورت نگرفته است.» (شهیدی ۱۳۹۵: ۲۳۰).

مثال دیگری که درباره این مسئله بیان شده این است که «اگر کارگران کشتی از مسافران کشتی دیگر که در دریا با خطر جدی مواجه شده باشد درخواست مبلغ گزافی کنند که آن‌ها را از خطر نجات دهند، معامله اکراهی نبوده و اضطراری محسوب می‌شود و قابلیت ابطال را به خاطر اضطرار ندارد؛ هرچند به علل دیگر - اگر موجود باشد - بتوان معامله را فسخ کرد.» (عدل‌السلطنه ۱۳۹۶: ۱۲۲). به نظر می‌رسد منظور نویسنده محترم از علل دیگری که بتوان معامله اضطراری را فسخ کرد استفاده از خیار غبن بوده و این مطلب از رویکرد حقوق تطبیقی قابل استنباط است.

نکته حائز اهمیت دیگر درباره مثال اخیر این است که در ابتدا اکراه اقتصادی منبعث از مراودات دریایی بود و مخاطراتی که در سفرهای دریایی برای بازرگانان ایجاد می‌شد کم‌کم این دیدگاه را تقویت کرد که از آن‌ها حمایت ویژه‌ای به عمل آید و بذریع این نهاد برای حمایت از طرف ضعیف کاشته شد؛ طرفی که از موقعیت او سوءاستفاده شده است. این دیدگاه در دو سده اخیر بارور شده است و هنوز هم با هدف غایی خویش فاصله دارد. در نهایت، برخی دیگر مطلقاً معامله اضطراری را صحیح دانسته‌اند و این اطلاق را شامل سوءاستفاده هم می‌دانند (بزرگمهر ۱۳۹۶: ۴۱۱). این گروه برای توجیه دیدگاه خود به ماده ۲۰۶ قانون مدنی استناد می‌کنند؛ ولی حقوق کنونی صحت مطلق معاملات اضطراری را، که از وضعیت شخص متعاقد سوءاستفاده شده است، نمی‌پذیرد.

سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی مسلط به یکی از روش‌های زیر است:

۱. (...); ۲. تحمیل شرایط قراردادی غیرمنصفانه.

ک) کسب غیرمجاز، سوءاستفاده از اطلاعات و موقعیت اشخاص:

۱. (...); ۲. (...); ۳. سوءاستفاده از موقعیت اشخاص به نفع خود یا اشخاص ثالث.

بسیاری از نظریات یادشده که در حقوق ایران مطرح شده است مربوط به دهه‌های خیلی قبل است که اکراه ناشی از سوءاستفاده از وضعیت وابستگی تا حدودی ناشناخته بوده است و با مقتضیات فعلی همخوانی ندارد و از منظر حقوقی و اجتماعی خلل ویژه‌ای به صحت چنین معاملاتی وارد است. انتظار می‌رود در آینده‌ای نه چندان دور، به کمک دکتترین، سیستم قضایی ایران هم به این مسئله ورود کند و تصمیمات مناسبی اتخاذ کند.

فسخ معامله

برخی از حقوق‌دانان ایران، به تاسی از حقوق‌دانان برخی از کشورهای اروپایی، کوشیده‌اند عقده را که در آن از وضعیت مضطر سوءاستفاده شده است، به دلیل اینکه بین تعهدات طرفین تعادل وجود ندارد، با توسل به غبن توجیه کنند و در نتیجه، در صورت وجود غبن فاحش، مغبون اختیار فسخ عقد را داشته باشد (صفایی ۱۳۹۷: ۱۲۴).

تثوری اعطای اختیار فسخ به مضطر طرفداران جدی نیز پیدا کرده است که کاربست آن را در حقوق ایران مناسب می‌دانند. عمده‌ترین استدلال آن‌ها مبتنی بر این است که اعطای اختیار به زیان‌دیده مطابق قاعده بوده و مبنای آن ورود ضرر نارواست که به زیان‌دیده تحمیل می‌شود (باریکلو ۱۳۸۲: ۳۹). در مقابل، بعضی دیگر اعمال اختیار غبن در حقوق ما را غیرمفید دانسته‌اند و استدلال می‌کنند اختیار غبن ابزاری است که به زیان‌دیده داده می‌شود تا بدین طریق ضرر وارده را جبران کند. اما در معاملات اضطراری شخص مضطر به خوبی از غبن خویش آگاه است، لیکن به منظور احتیاط از ضرری دیگر آن را می‌پذیرد (کاتوزیان ۱۳۷۴: ۵۱۲؛ محقق داماد و همکاران ۱۳۹۳: ۱۳۰). به همین دلیل، این گروه اعمال آن را در حقوق ایران توصیه نمی‌کنند. به نظر می‌رسد در وضعیت کنونی ضمانت اجرای فسخ عقد در حقوق ایران مطلوبیت نداشته باشد؛ به دلیل اینکه در قانون مدنی ایران درباره سوءاستفاده از وضعیت وابستگی قاعده خاصی وجود ندارد تا با توسل به آن بتوان به دیدگاه روشنی دست یافت. دکتترین هم عمدتاً این مبحث را از حقوق اروپایی، به خصوص حقوق فرانسه، مقتبس کرده‌اند. غبن در حقوق برخی از کشورها پیش‌بینی شده است؛ ولی طرفداران جدی ندارد و بر فرض اثبات سوءاستفاده از موقعیت شخص مضطر رویه قضایی و دکتترین به اکراهی بودن قرارداد عنایت داشته‌اند.

الحاق سوءاستفاده از اضطرار به اکراه

برخی حقوق‌دانان ایران تحت تأثیر نظریات حقوق‌دانان فرانسوی سوءاستفاده از اضطرار را از نظر حقوقی و اجتماعی توجیه کرده و آن را ملحق به اکراه دانسته‌اند (کاتوزیان ۱۳۷۴: ۵۱۰ به بعد). از نظر حقوقی، اکراه‌کننده به منظور اجبار مکره و گرفتن رضایت او اقدام به تهدید می‌کند؛ درحالی‌که در اضطرار خود شخص مضطر با توجه به اوضاع و احوال به وجود آمده، بدون آنکه فشاری از جانب متعامل دیگر صورت گیرد، اقدام به انعقاد عقد می‌کند. در نتیجه، در تحقق اکراه مهم نیست که وسیله تهدید را مکره یا اوضاع و احوال خارجی یا رویدادهای اجتماعی و طبیعی به وجود آورده باشند. آنچه مهم است جلوگیری از آثار تهدید است، نه زمینه‌ساز آن. بنابراین، منطبق حقوق برای رسیدن به عدالت اقتضا می‌کند که اگر شخصی از وضعی سوءاستفاده کند، عنصر مادی اکراه تحقق یابد.

از منظر اجتماعی هم موجبات و دلایلی که تفاوت اکراه و اضطرار را بیان می‌کنند در سوءاستفاده از اضطرار به کار گرفته نمی‌شوند. زیرا زمانی که طرف معامله در به وجود آمدن اضطرار دخالت دارد یا از آن مطلع است و بهره‌برداری ناروا می‌کند حمایت از او منطقی نیست. از منظر حقوقی، بر قیاس اکراه و سوءاستفاده از اضطرار انتقاداتی وارد شده است (بزرگمهر ۱۳۹۶: ۴۱۱)؛ از جمله اینکه قیاس اکراه و سوءاستفاده از اضطرار از نظر منطقی نمی‌تواند مورد قبول واقع شود. چون در اکراه عامل فشار از سوی مکره است؛ درحالی‌که در اضطرار چنین نیست.

به نظر می‌رسد انتقاد اخیر موجه نباشد. چون اولاً اکراه با سوءاستفاده از اضطرار از نظر حقوقی مقایسه نشده است؛ بلکه هدف از طرح آن پیدا کردن نقطه مشترکی بین آن دو بوده است تا بتوان از آن برای جمع این دو استفاده کرد و آن را ملحق به اکراه دانست و این استدلال به نحو شایسته‌ای صورت گرفته است. ثانیاً درست است که در اکراه عمل فشار به صورت مستقیم بر مکره تأثیرگذار است، در سوءاستفاده از اضطرار نیز همان تأثیر می‌تواند به صورت غیرمستقیم باشد و به اکراه منتهی شود. بنابراین، اکراهی بودن معامله که در آن از وضعیت مضطر بهره‌برداری ناروا شده است با حقوق ایران سازگارتر است؛ هرچند ضمانت اجرای آن غیر از عدم نفوذ معامله باشد. ماده ۲۰۳ قانون مدنی هم ضمانت اجرای اکراه در مدل‌های سنتی را عدم نفوذ معامله تلقی

کرده است. عده‌ای دیگر سوءاستفاده از عقد را که به عدم نفوذ معامله منتهی می‌شود از منظر حقوقی و اجتماعی این‌گونه تحلیل کرده‌اند که از یک طرف استفاده نامشروع از وضعیتی که مضطر در آن واقع شده است برای او جنبه حیاتی دارد و سوءاستفاده از چنین وضعیتی ایجاب می‌کند که آن را از مصادیق اکراه قلمداد کنیم؛ چون عنصر مادی اکراه محقق شده است. از طرف دیگر، از لحاظ فقهی، به کاربست قاعده رفع در موارد سوءاستفاده از اضطرار استناد کرده‌اند و در استدلال خود درباره این قاعده گفته‌اند که مضطر بعد از رهایی از وضعیتی که مجبور شده است تعهدی گزاف یا ناعادلانه را بپذیرد می‌تواند از دادگاه تقاضای ابطال عقد کند و چنین درخواستی منافاتی با مناط حدیث رفع ندارد (محقق داماد و همکاران ۱۳۹۱: ۱۳۱).

اکثر حقوق دانان ایران برای توجیه سوءاستفاده از اضطرار و الحاق آن به اکراه به ماده ۱۷۹ قانون دریایی متوسل می‌شوند که قرارداد منعقد تحت تأثیر خطر را غیرعادلانه دانسته و به مضطر اختیار ابطال و تغییر (تعدیل) قرارداد را داده است. البته برخی هم با نظریه عدم نفوذ عقد در فرض سوءاستفاده از اضطرار مخالفت کرده‌اند؛ با این استدلال که این نوع ضمانت اجرا حقوق مضطر را تأمین نمی‌کند (باریکلو ۱۳۸۲: ۳۰). این ضمانت در حقوق فرانسه هم پذیرفته شده است. ولی به نظر می‌رسد از واقعیت‌های حقوقی و اجتماعی فاصله گرفته است و به همین دلیل است که حتی در حقوق آن کشور هم انتقاداتی به آن وارد شده است.

صحت عقد با اعمال تعدیل قرارداد

ضمانت اجرای دیگر «تعدیل عقد» است که ممکن است در این حوزه مفید واقع شود. این طرح در دهه‌های اخیر طرفداران زیادی پیدا کرده است. هرچند قانون مدنی ایران آن را پیش‌بینی نکرده است، دکتترین پذیرش آن را با توجه به پاره‌ای از مقررات توسط دادگاه‌ها ممکن دانسته‌اند (صفایی ۱۳۹۷: ۱۷۸)؛ از جمله در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ که تعدیل دین به طور گسترده‌ای پذیرفته شده است. ماده واحده قانون الحاقی نیز تبصره‌ای به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶ افزوده است که مربوط به تعدیل مهریه است. در همین زمینه می‌توان به ماده ۴ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ نیز اشاره کرد. از رویکرد برخی از قوانین نیز می‌توان این نکته را استنباط کرد. چون در صورت سوءاستفاده از وضعیت اضطراری یا وابستگی

عیب در رضا نیست؛ بلکه نقص در خود عقد است و با تعدیل این نقص جبران می‌شود و عقد به حیات حقوقی خویش ادامه می‌دهد.

در ماده ۱۷۹ قانون دریایی کشور ایران، مصوب سال ۱۳۴۳، به صراحت، تعدیل عقدی که تحت تأثیر وضعیت خطر منعقد شده و شرایط آن به تشخیص دادگاه ناعادلانه است پیش‌بینی شده است.^۱ برخی به تعدیل قرارداد با توجه به ماده اخیر ایراد وارد کرده و استدلال کرده‌اند که این ماده قابلیت تعمیم به موارد دیگر را ندارد. زیرا در اضطراری که ناشی از حوادث دریایی به وجود می‌آید، به دلیل فوریت، خصوصیتی وجود دارد که در سایر موارد چنین نیست (باریکلو ۱۳۸۲: ۳۴).

به این استدلال می‌توان این‌گونه پاسخ داد:

اولاً ماده اخیر در حقوق ایران اقتباسی از ماده ۷ قانون حمایت دریایی مصوب ۲۹ آوریل ۱۹۱۶ فرانسه است و نهادینه شدن قانون اخیر در حقوق آن کشور هم حاصل تصمیمات دیوان عالی بوده است. بنابراین، با توجه به اینکه در آن دوران تجارت دریایی رواج و رونق بیشتری داشته است و غالباً رویدادها در این حوزه رخ می‌داده‌اند قانون‌گذار بر آن تصریح کرده است؛ و آنگاه در اضطرار ناشی از حوادث دریایی خصوصیت دیگری وجود ندارد.

ثانیاً برای این‌که سوءاستفاده از اضطرار را ملحق به اکراه بدانیم، فوریت شرط نیست. آنچه باعث تحقق اکراه می‌شود، سوءاستفاده از وضعیت موجود طرف متعاقد بوده که ممکن است ماه‌ها یا حتی سال‌ها به دراز بینجامد.

ثالثاً در بند ۲ ماده ۱۷۹ قانون دریایی کشور ایران آمده است که «در کلیه موارد» اگر رضایت یکی از طرفین مخدوش شود، باز هم قرارداد قابل تعدیل است. در نتیجه، می‌توان از این بند این نکته را استنباط کرد که قانون‌گذار در صدر ماده حوادث دریایی را از باب مثال آورده و در بند ۲ به همه موارد تعمیم داده است.

۱. «هر قرارداد کمک و نجات که در حین خطر و تحت تأثیر آن منعقد شده و شرایط آن به تشخیص دادگاه غیرعادلانه باشد ممکن است به تقاضای هر یک از طرفین، به وسیله دادگاه، باطل گردد یا تغییر داده شود. در کلیه موارد، اگر ثابت شود رضایت یکی از طرفین قرارداد بر اثر حيله یا خدعه یا اغفال جلب شده است ... دادگاه می‌تواند به تقاضای یکی از طرفین قرارداد را تغییر دهد یا بطلان آن را اعلام کند.»

رابعاً در همه مواردی که تعادل اقتصادی عوضین به دلیل سوءاستفاده از وضعیت یکی از طرفین به هم می‌خورد فرقی ندارد که از حوادث دریایی نشئت گرفته باشد یا غیر از آن. نیل به عدالت ایجاب می‌کند که از شخص زیان‌دیده در مقابل دیگری حمایت شود و قانون دریایی در این زمینه هیچ امتیازی بر موارد دیگر ندارد. زمانی که تعادل اساسی بین عوضین موجود نباشد، دادرس می‌تواند با حمایت از زیان‌دیده، به جای ابطال یا فسخ، قرارداد را تعدیل کند تا توازن حاکم شود و متعاقبین بتوانند به مقصود نهایی از عقد دست بیابند. چون در اغلب موارد منافع طرفین در حفظ وضعیت عقد موجود است؛ ولو اینکه تعدیل حاصل شده باشد.

برخی از حقوق‌دانان هم مفاد ماده اخیر را با عدالت اجتماعی مناسب دانسته و اصلاح ماده ۲۰۶ قانون مدنی را پیشنهاد کرده‌اند (جعفری لنگرودی ۱۳۸۸: ۷۷۷). بعضی دیگر از نظر فقهی قائل به نظریه تعدیل شده‌اند و با توجه به روایات و احادیث بر آن صحنه گذاشته‌اند (حکیمیان ۱۳۹۶: ۴۳۳). برخی دیگر هم تعدیل قرارداد را از یک طرف با اصل صحت قراردادی و ماده ۲۰۶ قانون مدنی سازگار دانسته‌اند و از طرف دیگر معتقدند اعطای تعدیل قرارداد با اصل لزوم قراردادها تعارض پیدا نمی‌کند و می‌توان بین ضرر ناشی از فسخ و عدم فسخ قرارداد جمع کرد و در نهایت از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری کرد (کاظم‌پور ۱۳۹۱: ۲۴). عده‌ای هم تلاش کرده‌اند سوءاستفاده از اضطرار در ماده ۱۷۹ قانون دریایی را با تمسک به قاعده انصاف در حقوق انگلستان توجیه کنند و واژه «غیرعادلانه» در ماده اخیر را به غیرمنصفانه بودن تفسیر و استدلال کنند در قراردادهایی که در وضعیت اضطراری منعقد می‌شوند ممکن است انصاف رعایت نشود و یکی از طرفین از وضعیت سوءاستفاده کند (محمدی و همکاران ۱۳۹۷: ۱۴۱).

در پایان، برخی هم با تکیه بر دیدگاه‌های فقهی امام خمینی که مبتنی بر قاعده ثانویه لاجرح است بیان می‌دارند که تعدیل قرارداد بیش از سایر نظریات حقوق مضطر را تأمین می‌کند (انصاری ۱۳۹۰: ۴۶). بنابراین، اصل ثبات و استحکام قراردادها ایجاب می‌کند تا جایی که ممکن است عقود منعقد اجرا شوند و اراده ضمنی طرفین نیز بر همین مبنا استوار است. مزیتی که ممکن است در اعطای حق تعدیل برای بقای عقد وجود داشته باشد در فسخ و بطلان وجود ندارد.

نتیجه

۱. سوءاستفاده از وضعیت وابستگی صرفاً به «وضعیت وابستگی مالی» محدود نمی‌شود. به همین دلیل، برای حمایت از طرف ضعیف لازم است سوءاستفاده از وابستگی‌های اطلاعاتی، روانی، فنی، و عاطفی هم مورد توجه قرار گیرد. موارد اخیر نیز مصادیقی از سوءاستفاده از وضعیت وابستگی تلقی می‌شوند که رویه قضایی فرانسه در تصمیمات خویش بر این مسئله صحنه گذاشته است.

۲. برای تحقق اکراه ناشی از سوءاستفاده از وضعیت وابستگی باید شروط خاصی را مد نظر قرار داد: اولاً طرف متعاقد در وضعیت وابستگی قرار گرفته باشد؛ ثانیاً طرف دیگر از وضعیت وابستگی او سوءاستفاده کرده و امتیازی را به دست آورده باشد؛ ثالثاً این امتیاز آشکارا گزاف باشد. بنابراین، تا زمانی که همه شروط محقق نشود، با توجه به اصل لزوم، نمی‌توان به صحت قرارداد خللی وارد کرد.

۳. در خصوص ضمانت اجرای سوءاستفاده از وضعیت وابستگی، فروض مختلفی بیان شده است. گرایش غالب در این زمینه فسخ و عدم نفوذ و تعدیل قرارداد است که هر یک طرفداران و منتقدانی دارد. ولی گرایش حاضر در حقوق کشورها و مقررات اروپایی و بین‌المللی به سمت تعدیل قرارداد بوده است و اعمال این قاعده حقوق ایران را پویاتر می‌کند. چون در سایه آن اطمینان بیشتری در مراودات تجاری، چه در عرصه داخلی چه در عرصه بین‌المللی، حاصل می‌شود؛ علاوه بر اینکه می‌تواند منافع طرفین را بیشتر تأمین کند. در ضمن، از گسیختگی بیشتر قرارداد نیز جلوگیری می‌کند که با اصل ثبات و استحکام قراردادها منافاتی ندارد.

پیشنهاد

جبران خلأها

نقش رویه قضایی: رویه قضایی ایران هم می‌تواند نقش بی‌بدیلی در تثبیت اکراه ناشی از سوءاستفاده از وضعیت وابستگی ایفا کند و خلأ قانونی را در این زمینه جبران کند. برای فعال کردن نقش رویه قضایی درباره این مسئله بیش از همه به وکلای دادگستری پیشنهاد می‌شود در مواجهه با این مسئله آن را بررسی کنند و در صورت تحقق جمیع شرایط آن را برای کمک به ایجاد رویه قضایی مطرح کنند.

نقش دکترین حقوقی: در عرصه حقوق تعهدات و قراردادهای، در دوره‌های اخیر تحولات چشمگیری رخ داده است. اما قانون مدنی ایران این تحولات را لحاظ نکرده است. پیشنهاد می‌شود از یک سو حقوق دانان ما در آثار خویش به تبیین این مسئله بپردازند و تعریف مناسبی از این نوع اکراه ارائه دهند و از سوی دیگر این موضوع در قالب رساله دکتری در حقوق ایران بررسی شود تا زوایای مبهم آن روشن شود و در صورت اصلاح احتمالی قانون مدنی ذهن تدوین‌کنندگان را برای پذیرش چنین موضوعی آماده کند.

اهمیت کار گروهی

آنچه در این تحقیق بیش از هر چیز جلب توجه کرد اهمیت پروژه‌های بازنگری است که حقوق دانان به صورت گروهی انجام می‌دهند و مواد پیشنهادی را به نحو احسن به سرانجام می‌رسانند و در نهایت با تغییرات خیلی جزئی به تصویب می‌رسانند. پیشنهاد می‌شود کار گروهی این‌چنینی در کشور ایران هم شکل گیرد تا شاهد بالندگی و تحولات مثبتی در حقوق ایران باشیم.

متن پیشنهادی: «هرگاه یکی از متعاملین از وضعیت اضطراری یا وابستگی طرف متعاقد به خود سوءاستفاده کند و عقد یا شرایطی را به او تحمیل کند که در صورت فقدان چنین وضعیتی حاضر به انعقاد آن نمی‌شد و از این طریق امتیاز آشکارا گزافی را حاصل کند که عرفاً قابل تسامح نباشد، اکراه صورت می‌پذیرد. در صورت تحقق چنین وضعیتی، دادرس می‌تواند با در نظر گرفتن جمیع جهات قضیه، بنا به تقاضای مضطر، عقد را باطل اعلام کند یا تعدیل کند. درباره تحمیل تعهد یا شرطی که با سوءاستفاده همراه بوده باشد به همین ترتیب عمل خواهد شد. حسب مورد، وابستگی ممکن است اقتصادی، اطلاعاتی، فنی، یا روانی و شامل همه اشخاص باشد.»

منابع

- انصاری، علی (۱۳۹۰). «سوءاستفاده از اضطرار با رویکردی بر اندیشه فقهی امام خمینی»، پژوهش‌نامه متین، د ۱۳، ش ۵۳، صص ۲۶ - ۵۰.
- انصاری، علی؛ حجت مبین (۱۳۸۸). «مفهوم اکراه اقتصادی و جایگاه آن در فقه امامیه، با مطالعه در اندیشه فقهی امام خمینی»، پژوهش‌نامه متین، د ۱۱، ش ۴۲، صص ۱ - ۱۹.
- امامی، سید حسن (۱۳۹۵). حقوق مدنی، چ ۳۷، تهران، اسلامیه، ج ۱.
- باریکلو، علی‌رضا (۱۳۸۲). «ضمانت اجرای حقوقی سوءاستفاده از وضعیت اضطراری طرف قرارداد»، حقوق خصوصی (اندیشه‌های حقوقی سابق)، س ۱، ش ۴، صص ۲۵ - ۴۵.
- بزرگمهر، امیرعباس (۱۳۹۶). شرح جامع حقوق تعهدات تطبیقی، تهران، دانشگاه عدالت، ج ۱.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). دائرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت، تهران، گنج دانش.
- حکیمیان، علی محمد (۱۳۹۶). «سوءاستفاده از اضطرار و آثار آن در قرارداد»، پژوهش‌های فقهی، د ۱۳، ش ۲، صص ۴۱۳ - ۴۳۷.
- شعاریان، ابراهیم؛ ابراهیم ترابی (۱۳۹۵). حقوق تعهدات، مطالعه تطبیقی طرح اصلاحی حقوق تعهدات فرانسه با حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، چ ۲، تهران، شهر دانش.
- _____ (۱۳۹۱). اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران، چ ۲، تبریز، فروزش.
- شهبیدی، مهدی (۱۳۹۵). تشکیل قراردادها و تعهدات، چ ۲، تهران، مجد، ج ۱.
- صفایی، سید حسین (۱۳۹۷). دوره مقدماتی حقوق مدنی، چ ۲۹، تهران، میزان، ج ۲.
- عبدی‌پور، ابراهیم (۱۳۸۸). «سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی مسلط»، حقوق اسلامی (فقه و حقوق)، س ۶، ش ۲۱، صص ۱۲۵ - ۱۵۵.
- عدل، مصطفی (عدل‌السلطنه) (۱۳۹۶). حقوق مدنی، چ ۴، تهران، خرسندی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). قواعد عمومی قراردادها، چ ۳، تهران، شرکت سهامی انتشار، ج ۱.
- کاظم‌پور، سید جعفر (۱۳۹۱). «حمایت از مضطر در معاملات اضطراری؛ مبانی و راهکارها»، مجله حقوقی دادگستری، د ۷۶، ش ۸۰، صص ۹ - ۳۵.
- محقق داماد، سید مصطفی؛ جلیل فنوتی؛ سید حسن وحدتی شبیری؛ ابراهیم عبدی‌پور (۱۳۹۳). حقوق

قراردادها در فقه امامیه، چ ۳، [بی جا]، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری نشر سمت، ج ۲. محمدی، سام؛ حسین خانلری بهنمیری؛ همایون مافی (۱۳۹۷). «انصاف و معاملات اضطراری»، فقه مقارن، س ۶، ش ۱۲، صص ۱۳۵ - ۱۵۶.

نوری یوشانلوئی، جعفر؛ ابوالفضل شاهین (۱۳۹۷). «نوآوری‌های حقوق قراردادهای جدید فرانسه و تطبیق آن با نظام حقوقی ایران»، پژوهش حقوق خصوصی، د ۷، ش ۲۴، صص ۲۰۱ - ۲۲۹.

References

- Abipour, A. (2009). "Misuse of the dominant economic situation", *journal Islamic law*, 21, pp. 125-155. (in Persian)
- Adl, M. (2017). *Civil law*, 4th, Tehran: Khorsandy publication. (in Persian)
- Andreu, L. & Thomassin, N. (2019). *Cours de droits des obligations*, 4^e éd, Lextenso.
- Ancel, P. (2015). "Article 1142: violence économique", *Revue des contrats*, n 03, p. 747.
- Ansari, A. (2011). "The abuse of the necessity, along studying the view of the Imam Khomeini's jurisprudential", *journal of Matin*, 13 (53), pp. 26-50. (in Persian)
- Ansari, A. & Mobaien, H. (2009). "The concept of economic duress and its place in the Imamite jurisprudence, along studying the view of the Imam Khomeini's jurisprudential", *journal of Matin*, 11 (42), pp. 1-19. (in Persian)
- Barbier, H. (2016). "La violence par abus de dépendance", *Juris-Classeur périodique (Semaine juridique), édition générale*, 11 avr. p. 421.
- Bariklou, A. (2003). "The legal sanction of the abuse of the state of necessity contracting party", *journal, private law*, 1(4), pp. 25-45. (in Persian)
- Behar-Touchais, M. (2015). "Un déséquilibre significatif à deux vitesses", *la semaine juridique édition général*, p. 603.
- Bozorgmehr, A. (2017). *Comprehensive description of the law of comparative obligations*, T.I., Tehran: University of Edalat Publication. (in Persian)
- Cabrillac, R. (2016). *Droits européen comparé des contrats*, 2^e éd., L.G.D.J.
- Carbonnier, J. (2000). *Droit civil, Les obligations*, T.4, 22^e éd., paris Presses Universitaires de France.
- Chantepie, G. & Latina, M. (2018). *Le nouveau droit des obligations*, 2^e éd, Dalloz.
- Claudiel, E. (2016). "L'abus de dépendance économique: un sphinx renaissant de ses cendres?" *Revue trimestrielle de droit commercial (Dalloz)*, p. 460.
- Cornu, G. (2018). *Vocabulaire juridique*, 12^e éd, paris, Puf.
- Guinchard, S. & Debard, T. (2019-2020). *Lexique des termes juridiques*, 27^e éd, Dalloz.
- Emami, H. (2016). *Civil law*, T.I., 37th, Tehran: Islamie publication. (in Persian)
- Jafari Langroudi, M. J. (2009). *Encyclopedia of civil & commercial law*, Tehran, Ganje Danesh Publications. (in Persian)
- Hakimian, A. M. (2017). "Abuse of urgency and its effect on the contract", *Islamic Jurisprudence research*, 13(2), pp. 413-437. (in Persian)
- Katouzian, N. (1996). *General principles of contracts*, T.I., 3th, Tehran, publishing Company in collaboration with Bahman Borna. (in Persian)

- Loiseau, G. (2016). "Les vices du consentement", *Contrats Concurrence Consommation*, Dossier, n 3.
- Mallet-Bricou, B. (2016). "2016, ou l'année de la réforme du droit des contrats", *Revue trimestrielle de droit civil* (Dalloz). p. 463.
- Mazeaud, D. (2017). "La violence économique à l'aune de la réforme du droit des contrats", *la violence économique*- Travaux de l'association H. Capitant, Paris, Dalloz.
- Mohamadi, S., Khanalari Bahnamiri, H., & Mafi, H. (2018). "Equity and emergency contracts", *Fiqhe Moqaran*, 6(12), pp. 135-156. (in Persian)
- Mohaqqeq Damad, S. M., Qanavati, J., Vahdati Shobairi, S. H., & Abdipour Fard, E. (2014). *Law of contract according to Imamieh jurisprudence*, T.II. 3th, Tehran, Hawzeh and University. (in Persian)
- NouriYoushanlooi, J. & Shahin, A. (2018). "The innovations of new French contract law and it's comparing with Iranian law system", *journal of private law*, 7(24), pp. 201-229. (in Persian)
- Pellet, S. (2016). "L'abus de dépendance est une violence!", *l'essentiel du droit des contrats*, n 3 du 11 mars. p. 4.
- Picod, Y. (2017). "La violence économique à l'aune de la réforme du droit des contrats", *la violence économique*- Travaux de l'association H. Capitant, Paris, Dalloz.
- Porchy-Simon, S. (2019). *Droit civil, Les obligations 2020*, 12^e d, Dalloz.
- Projet Catala (2005). *Avant-projet de réforme du droit des obligations et de la prescription*, La Documentation française.
- Projet Terré (2009). *Pour une réforme du droit des contrats*, 1^{er} éd. Dalloz, Thèmes et commentaires.
- Safai, S. H. (2018). *Civil law: General principles of contracts*, T.II, 29th, Tehran, Mizan Publication. (in Persian)
- Shahidi, M. (2016). "Law civil", *formation of contracts and obligations*, T. I., 12th, Tehran, Majd publication. (in Persian)
- Shoarian, E. & Torabi, E. (2016). *The law of obligations*, 2th, Tehran: ShahreDanesh publications. (in Persian)
- (2012). *Principles of European contract law & Iranian law*, 2th, Tabriz, Forouzesh Publication. (in Persian)